

نگاهی به صادرات نفت ایران

دکتر نعمت احمدی
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

«آمار صادرات نفت منتهی به ده سال پایان حکومت محمدرضا شاه»

سال ۱۳۴۷	(دومیلیون و یکصدوسی هزاربشکه ۲۱۳۰۰۰۰)
سال ۱۳۴۸	(۲/۶۰۰/۰۰۰ بشکه)
سال ۱۳۴۹	(۲/۸۵۰ هزاربشکه)
سال ۱۳۵۰	(۳/۴۰۰ هزاربشکه)
سال ۱۳۵۱	(۳/۸۰۰ هزاربشکه)
سال ۱۳۵۲	(۴/۵۰۰ هزاربشکه)
سال ۱۳۵۳	(۵/۰۰۰/۰۰۰ هزاربشکه)
سال ۱۳۵۴	(۵/۸۰۰ هزار بشکه)
سال ۱۳۵۵	(۶ میلیون بشکه)
سال ۱۳۵۶	(۶ هزاربشکه)
سال ۱۳۵۷	علی‌رغم اعتصابات تولید به ۵/۸۸۰ بشکه در روز رسید.

البته با تشکیل سازمان اوپک و سهمیه بندی اعضاء درصادرات، مصرف داخلی از میزان تولید کم و هریک از اعضاء باید سقف صادرات معینی داشته باشند تا بازارنفت دچار تلاطم نشود، مصرف نفت داخلی هم با تکیه بررفاه نسبی که ملی شدن صنعت نفت در پی داشت، باعث شد زندگی ماشینی درایران رونق بگیرد و کارخانه‌هایی در کشور تأسیس و بخشی از نفت تولیدی درداخل مصرف شود، به ارقام تولید و صادرات ایران بعد از انقلاب در نوشتار حاضر کار ندارم، فقط به این بسنده می‌کنم که هم اکنون صادرات نفت ما روزانه بین ۲ میلیون تا دو میلیون و دویست هزار بشکه است و مصرف روزانه بالای ۱/۵۰۰ هزار بشکه، آمار رو به رشد مصرف داخلی که بعضی از کارشناسان سالیانه حدود ۱۰٪ برآورد کرده‌اند، دارد فاصله مصرف داخلی را با تولید کلی کم می‌کند و امروزه که تولیدی حدود ۳/۷۰۰ بشکه داریم روزانه ۱/۵ میلیون بشکه آنرا مصرف و یا رشد ۱۰٪ با ظرفیت تولید فعلی تنها ۱۷ سال دیگر می‌توانیم تنها مصرف داخلی را تولید کنیم. این اتفاق ساده را نگارنده که نه در صنعت نفت تخصص دارم و نیز دقیقاً به آمار و ارقام دسترسی ندارم، تنها با مراجعه به سایت‌های مختلف که لابد زیاد قابل اعتماد هم

□ بیش از صد سال از کشف نخستین چاه نفت در مسجد سلیمان می‌گذرد. فورانی که بعد از دلسردی شرکت داری و اینکه در ایران نفت کشف نخواهد شد این شرکت را به ماده سیاهی رساند که برای آنان زرق و برق پوند و دلارو برای ما همان سیاهی را به بارآورد، تا اینکه در آخرین روزکاری مجلس درسال ۱۳۳۰ صنعت نفت در ایران ملی شد و دکتر محمد مصدق نام خود و همراهانش را برای همیشه در تاریخ ایران جاودان ساخت، نخستین میزان صادرات درسال ۱۲۹۶ یعنی سال راه اندازی لوله‌ها و امکان صادرات، روزانه ۵ هزاربشکه نفت صادرات داشتیم و این میزان درسال ۱۳۲۹ که جبهه ملی به جد در صدد ملی کردن نفت برآمد، ۶۶۴ هزار بشکه نفت از چاه‌های حفرشده به وسیله شرکت نفت ایران و انگلیس روزانه صادر می‌شد اما مصرف داخلی بسیارکم بود. سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۳ را باید سال رکود حاکم برصنعت نفت ایران دانست، دراین سالها اعتصابات کارگری، ملی شدن صنعت نفت، خروج مهندسیین و متخصصین انگلیسی ازایران و اجماع جهانی در عدم خرید نفت از دولت دکترمحمد مصدق و دعوای سیاسی باعث شد با توجه به عدم تربیت متخصصین داخلی در دوره‌ی حاکمیت شرکت نفت ایران و انگلیس و تحریم خارجی خرید نفت، تولید ما به حداقل خود و به دو رقمی برسد. کودتای ۲۸ مرداد و روی کارآمدن محمدرضا شاه و انعقاد قرارداد جدید و حضورچند شرکت پرآوازه‌ی نفتی و سود کلانی که ازاین راه با تکیه بررونق صنعت و ماشینی شدن دنیای بعد از جنگ دوم و نیاز روزافزون به این ماده که موتورحرکت جهانی بود، صادرات نفت ایران به سرعت توسعه بیابد، مدتی طول کشید و از اوائل دهه ۴۰ صادرات نفت ایران ۴ رقمی شد یعنی روزانه بیش ازیک میلیون بشکه نفت تنها به آمار دهه آخر حکومت محمدرضاپهلوی و نگاه به آمار این دوره جایگاه ایران را در میان کشورهای صادرکننده نفت نشان می‌دهد.

نیستند به دست آورد و باید این آمارو ارقام به وسیله متخصصین فن رصد شود، اما واقعیت انکارناپذیری را نمی‌توان نادیده گرفت، چرا ظرف ۳۰ سال گذشته تولید ما کم شده است؟ درحالی‌که هرازگاهی مسئولین وزارت نفت از کشف میادین نفتی با میلیاردها بشکه یاد می‌کنند، بین کشف میادین نفتی بزرگ که اگر صرفاً جنبه‌ی خبری نداشته باشد، با واقعیت تولید و مصرف و صادرات فرسنگ‌ها فرسنگ راه است. یکی از دوستان که سفری به مسجد سلیمان می‌گفت، به علت عدم استخراج نفت به لحاظ اقتصادی نبودن شیوه استخراج «لابد از باب قدمت چاه‌ها» هم اکنون بوی نفت تمام شهر را فرا گرفته و بعضاً می‌توان بالا آمدن نفت را دید، شاید هم اکنون چاه‌های این منطقه را دوباره بازسازی کرده باشند، اما بازسازی چاه‌ها نیاز به پول دارد و با برآورد اولیه ایران بیش از پول صادرات خود هم اکنون باید در چاه‌های موجود یا مناطقی که نفت کشف شده است، سرمایه‌گذاری کند. به گفته‌ی تا پایان سند چشم‌انداز حداقل به ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در صنعت نفت نیاز داریم مبلغی که امکان تأمین آن فقط از منابع خارجی میسر است و با وجود تحریم ظالمانه آمریکا، چنین سرمایه‌گذاری حداقل در شرایط موجود در صنعت نفت ما میسر نیست، مگر دو شرکت توتال و شل که با آن همه سروصدا آمدند، بی صدا از ایران خارج نشدند؟

روند روبه رشد مصرف سالیانه نفت آن هم سالی ۱۰٪ تا چند سال دیگر اگر در صنعت نفت سرمایه‌گذاری نشود فقط قادر به تأمین نفت مصرفی خود از چاه‌هایی هستیم که با تکنولوژی نه چندان به روز از آنها استفاده می‌کنیم، در جهانی که خام‌فروشی نفت در واقع به باد دادن ثروت آیندگان است که صرف هزینه‌های جاری دولت نه هزینه عمرانی وزیربنا می‌گردد تا به درد آیندگان بخورد مجلس هم اکنون (زمان نوشتن مطلب) مشغول بررسی لایحه بودجه سال ۸۹ است، لایحه‌یی که بیش از دو ماه خارج از مهلت متعارف و همیشگی سایر دولت‌ها درست در زمانی که بحث لایحه هدفمند یارانه‌ها و نیز بحث برنامه پنجم توسعه باید بررسی شود مشغول بررسی آن می‌باشند و به یقین لایحه بودجه سال ۸۹ آن چنان وصله و پینه شده خواهد بود که به واقع سال پر زحمتی خواهیم داشت. جای تعجب است در کشوری که بیش از صد سال نفت استخراج می‌شود و اولین کشوری است که در خاورمیانه پالایشگاه داشت که مشتقات پالایش شده آن به سرتاسر دنیا فرستاده می‌شد و اتفاقاً بزرگترین پالایشگاه دنیا در آبادان بود امروزه بعد از گذشت یکصد سال از کشف نفت در کشور و نیز نزدیک به ۶۰ سال از ملی شدن صنعت نفت خود یکی از واردکنندگان بنزین و گازوئیل است و سالانه میلیاردها دلار از پول نفت خامی که

می‌فروشیم به چندین برابر بنزین و گازوئیل پالایش شده می‌خریم، حال اینکه موقعیت ایران و ساحل گسترده خلیج فارس و دریای عمان و انبوه کشتی‌هایی که در این آبراه بزرگ بین‌المللی تردد می‌کنند و نیاز به سوخت دارند ما می‌توانستیم به یکی از سودآورترین منابع نفتی یعنی پالایش نفت و تأمین سوخت کشتی‌های عظیم قاره پیما در آبراه خلیج فارس باشیم نه اینکه خود سالیانه به اندازه ساخت چندین پالایشگاه بنزین و گازوئیل وارد کنیم و بزرگ‌ترین نقطه صنعت خود را به کشورهای غربی بدهیم که با اهرم تحریم صادرات بنزین و گازوئیل با ما برخورد کنند. چاه‌های نفت ایران فرسوده است شیوه برداشت با تکنولوژی گذشته باعث هدر رفتن منابع عظیم نفت خام می‌شود و امکان بازسازی و استخراج مجدد را با هزینه‌های سرسام آور خواهد بود و دولت نیز در صدد آن نیست که بودجه‌ای مستقل از نفت بنویسد، کشور نروژ درآمد نفت را در بودجه سالیانه خود واریز و حساب نمی‌کند بلکه با تکیه بر منابع غیرنفتی کشور را اداره و نفت در بودجه نقشی ندارد. اما ظاهراً در کشوری که داری چهار فصل و میلیون‌ها هکتار زمین کشاورزی و یکی از ده کشور دارای آثار تاریخی و جاذبه توریستی و با نیروی کار فراوان خود می‌تواند از معبر سرمایه پر باد ده بودجه نفتی، خود را به سر منزل بودجه واقعی یعنی حمایت از تولید و دریافت مالیات و اداره کشور از این طریق برساند.

دولت نهم و دهم هم که همه قواعد بازی در نحوه واریز همه درآمدهای دولت به خزانه و برداشت آن به وسیله لایحه بودجه برابر اصل ۵۳ قانون اساسی و نظارت دیوان محاسبات را بهم زده است و رئیس دولت هم در زمانه طرح لایحه بودجه به مجلس می‌رود و چنان از لایحه بودجه خود دفاع می‌کند که اگر یک بند یا تبصره آن به وسیله نمایندگان که کم‌ترین جق آنان است، دست‌خوش تغییر بشود، نظام کلی بودجه به هم می‌ریزد؟! دولت و مجلس می‌گویند سال ۸۹ سال بستن کمربندهاست و هزاران اتفاق در زمینه زندگی، و معیشت مردم خواهد افتاد. حال اینکه مردم در نوروز سال ۱۳۳۰ دل خوش این بودند که با ملی شدن صنعت نفت این سرمایه ملی در خدمت سازندگی مملکت قرار خواهد گرفت و دکتر محمد مصدق طی دو سالی که لایحه بودجه را بدون اتکاء به نفت نوشت سرنوشت مردم بهتر بود، اما از سال ۳۳ تا امروز هر روز لایحه بودجه از نفت تغذیه بیشتری می‌کند و تولید غیرنفتی که عامل توسعه کشور است، حتی تولیدات کشاورزی در مقابل واردات بی‌رویه را از رمق انداخته است، نفت این سرمایه ملی که تعلق به نسل‌های آینده دارد را این‌گونه هدر ندهیم که فرزندانمان بر ما نخواستند بخشید. ■